

جنگ می شود یا نمی شود



کوروش احمدی

دیپلمات پیشین

جنگ می‌شود یا نمی‌شود و اگر می‌شود چه زمانی و با چه ابعادی؟ این سؤال پرتکراری است که طی ۱۷ ماه گذشته پیوسته ذهن هر ایرانی، ازجمله فعالان اقتصادی را به خود مشغول کرده و موجب تعلیق و بلاتکلیفی همه‌جانبه شده است. ضمن توجه به مهندسی رسانه به‌عنوان یک ابزار جنگی و ایجاد عدم قطعیت به‌عنوان یک حربه مذاکراتی، پاسخ‌های زیر را می‌توان به این پرسش‌ها داد:

۱- پرسش این است که آیا ترامپ تصمیمش را برای شروع یک تجاوز تمام‌عیار دیگر علیه ایران گرفته است یا خیر؟ از آنجا که ترامپ مرد لفاظی‌های مستمر و ضدونقیض‌گویی‌های بی‌وقفه است، سخنان او را علی‌القاعده نمی‌توان ملاک قرار داد. تقریبا هر آنچه می‌گوید بی‌ارزش است؛ مگر شواهد و قرآنی که مؤید آن باشد، یافت شود. ثابت شده که او علاوه بر ضدونقیض‌گویی، بی‌محابا نیز دروغ می‌گوید. روزنامه واشینگتن‌پست در چهار سال اول ریاست‌جمهوری ترامپ ۳۰۰هزارو ۵۲۳ ادعای نادرستی یا گمراه‌کننده» را از او مسندنا ثبت کرد. با این حال، جلسه‌ای را که او هفته گذشته گفت، می‌توان در پرتو دیگر نشانه‌ها جدی گرفت. او گفت: «می‌توانیم کار جمهوری اسلامی را تمام کنیم یا بگذاریم به تدریج تحلیل رود». این جمله در کنار سخنان دیگر او درباره ادامه دیپلماسی را می‌توان نشانه مشغولیت ذهنی او در مورد سه سناریویی دانست که نگارنده نیز در هفته‌های گذشته به آنها توجه داده است. سناریوی اول حل مسئله از طرق دیپلماتیک است. سناریوی دوم ادامه محاصره دریایی و فشار فراینده اقتصادی است به قصد تحلیل‌بردن تاب‌آوری ایران و سناریوی سوم توسل به یک جنگ تجاوزکارانه دیگر. جمله مذکور و برخی جملات دیگر ترامپ ممکن است به این معنا باشد که او هنوز تصمیم نهایی را نگرفته است. البته عدم تصمیم‌گیری نهایی تناقضی با بسج نیرو و بازآرایی نظامی در منطقه ندارد. این اقدامات معمولا با این هدف انجام می‌شود که به وقت تصمیم نهایی، همه ابزارهای لازم فراهم باشد. گزارش‌های خبری در دوره شش‌ساله او حکایت از سه بار تصمیم به جنگ و لغو آن در آخرین لحظات دارد.

۲- در صورت انتخاب مسیر جنگ، زمان آن سؤال مهم بعدی است. حسد و گمان در این مورد طی دو، سه هفته گذشته به اوج خود رسیده بود. حتی برخی بر مبنای برداشتی از سخن سفیر آمریکا در ترکیه، شنبه و یکشنبه گذشته را زمان شروع حمله می‌دانستند. یاهو!افی‌های نتانیاهو در آستانه انتخابات اسرائیل نیز نمی‌تواند ملاک باشد؛ چراکه مخاطب او رأی‌دهندگان به‌شدت راست‌گرا و طالب «تغییر رژیم» در ایران هستند. او بهتر از هر کسی می‌داند که از راه دور و با نیروی هوایی نمی‌توان حکومتی را سرنگون کرد. نشان به آن نشان که به‌رغم جنایات گسترده او در غزه، محاس همچنان قدرت را در غزه در دست دارد. ضمن اینکه اقدام نظامی توسط نتانیاهو بدون مجوز ترامپ قابل تصور نیست. ترامپ نیز این روزها سخت درگیر مبارزات انتخاباتی سرنوشت‌سازی است که قطعاً مجالی برای او جهت پرداخت به یک اقدام سرنوشت‌ساز دیگر باقی نمی‌گذارد. او تا دوشنبه آینده همه‌روزه سرگرم مبارزات انتخاباتی و سفر به ایالات مختلف آمریکاست. در چنین شرایطی تنها در صورتی که او برنامه‌های انتخاباتی را لغو کند و به کاخ سفید برگردد، می‌توان تحولی در رابطه با ایران را محتمل دانست.

۳- در میان خیل عظیم پیش‌بینی‌های تیره و تار و تحلیل‌های سرد درباره جنگ و تاریخ شروع جنگ، شاید نگارنده از معدود کسانی است که بر آن بوده که جنگ قاعدا، منطقا و عقلا قابل اجتناب است. چرا؟ چون شکافی که در مواضع دو کشور وجود دارد، در حدی نیست که توجیه‌کننده یک جنگ ویرانگر دیگر باشد. ایران «طرح هفت‌روزه» خود را اعلام کرده و آمریکا نیز گفته است که با مفاد این طرح که تماما در یادداشت تفاهم اسلام‌آباد مندرج‌اند، موافق است. ظاهرا اختلاف تنها بر سر ترتیب و توالی اجرای این شروط و روش انجام کار است. ایران خواستار آن است که آمریکا ابتدا مفاد طرح هفت‌روزه را اجرا کند و در روز هفتم مذاکره بر سر موضوعات هسته‌ای شروع شود. پیشنهاد آمریکا این است که مذاکره در ارتباط با همه موضوعات از جمله هسته‌ای از همان روز اول شروع شود.

اختلاف در این حد ارزش آن را ندارد که زمینه‌ساز جنگ خامن‌سوز دیگری بین دو کشور بزرگ و جنگی منطقه‌ای شود.

سه‌شنبه ۵ آبان ۱۴۰۵
۱۶ جمادی‌الاول ۱۴۴۸
۱۲۷ اکتبر ۲۰۲۶
سال بیست‌وسوم
شماره ۵۵۱۱
۴۰ هزار تومان
۸ صفحه

روزنامه

در «شرق» امروز می‌خوانید: کلاهبرداران چگونه حسابمان را خالی می‌کنند؟ • دیپلماسی گازی ایران در مسکو در اوج تحریم و محاصره • اودیسه به روایت ماسک

«شرق» گزارش می‌دهد: ۱۰ روایت از زندگی کودکان جانباز جنگ ۴۰روزه

زخم‌های بزرگِ تن‌های کوچک

گزارش تیتربیک را در صفحه ۴ بخوانید



روایت «شرق» از نشست چهارجانبه ایران، عربستان، ترکیه و پاکستان

دیپلماسی بحران؛ از مکه تا تهران

پزشکیان: ایران از هر تفاهمی برای تقویت وحدت و انسجام کشورهای اسلامی حمایت می‌کند

یادداشت

بانک سالم، تولید خاموش؟



سید فرید موسوی

عضو کمیسیون اقتصادی مجلس

به سفره کارگران، بازار شهر و زندگی خانواده‌ها می‌رسد. کارگری که حقوق نمی‌گیرد، از پرداخت اجاره و اقساط بازمی‌ماند. فرسوده‌ای که مشتریاناش را از دست می‌دهد، درآمزش کاهش می‌یابد. شرکت حمل‌ونقل، تأمین‌کننده مواد اولیه و کسب‌وکارهای وابسته نیز گرفتار رکود می‌شوند. در شهرهای کوچک، تعطیلی یک کارخانه بزرگ می‌تواند اقتصاد محلی را برای سال‌ها تحت تأثیر قرار دهد. بیکاری، مهاجرت نیروی کار، افزایش فقر و آسیب‌های اجتماعی، هزینه‌هایی هستند که در ارزیابی سیاست‌های بانکی کمتر مورد توجه قرار می‌گیرند. بانک مرکزی ممکن است در ترازنامه خود موفق باشد، اما مردم

یادداشت

قطار توسعه، ریل جامعه مدنی و بار سیاست



حسین چقگو

کارشناس اقتصادی

«...من قطاری دیدم که سیاست می‌برد و چه خالی می‌رفت...» (سهراب سپهری)

۱- احزاب سیاسی و نهادهای مدنی و تشکل‌های صنفی و صنعتی ستون‌ها و شاکله‌های استواری هر نظام حکمرانی در جهان امروز هستند. در غیاب جامعه مدنی و نهادهای آن، جامعه‌ای توده‌ای شکل می‌گیرد و زمینه را برای ظهور جنبش‌های توده‌وار آماده می‌کند. به همین سبب است که اندیشمندان برجسته‌ای همچون آرنت، میلز و کورنهاوزر بر ضرورت وجود این نهادهای میانجی بین خانواده و دولت تأکید می‌کنند و وجود آنها را سبب تحکیم پایه‌های اجتماعی رقابت آزاد برای کسب مدیریت، مشارکت گسترده در انتخاب مدیران، تعمیق و گسترش روندهای توسعه‌ای و بهبود کارکردهای دولت‌ها در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی می‌دانند. نهادهایی که در ایران امروز به سبب پاره‌ای سیاست‌های نادرست، در ضعف و ناتوانی‌اند و حتی نظام حکمرانی را در روز مبادا و بزنگاه‌های خاص که نیازمند کمک و باری همین نهادهاست، دست خالی به خانه بازمی‌گردانند. آخرین نمونه آن نشست چند روز قبل رئیس قوه قضائیه با گروهی از اقتصاددانان بوده است. در این نشست، رئیس قوه قضائیه با اشاره به اینکه ما سال‌هاست با تورم، رکود، افزایش نقدینگی، کاهش ارزش پول ملی، نوسانات ارزی و... مواجه هستیم و اکنون نیز در شرایط جنگ و تحریم به سر می‌بریم، از اقتصاددانان حاضر در جلسه خواست «نه‌فقط به دولت و حاکمیت، بلکه به کشور کمک کنید» (۱۴۰۵/۸/۲). سپس هر یک از اقتصاددانان بنا بر مشرب فکری و تعلقات سیاسی خود، نکات و راهکارهایی را برای حل مشکلات اقتصادی کشور عنوان کردند. نظراتی که گاه آن‌چنان متفاوت و بعضا متضاد با هم بوده که رئیس قوه قضائیه را مبهور کرده بود: «عدای تأکید داشتند نباید در زمان و شرایط جنگی، به سیاست‌های اقتصادی بازار آزاد متوسل شد و در مقابل عده‌ای تصریح داشتند که اگر از قبل، سخت‌گیری‌ها و مضایق نسبت به رویکردهای بازار آزاد نبود، اکنون وضعمان مطلوب‌تر بود». همین سردرگمی و بی‌نتیجگی که دو نشست‌های آقای پزشکیان با اقتصاددانان (۱۴۰۳/۸/۲۱) و (۱۴۰۵/۶/۴) با جلسه رئیس مجلس با فعالان اقتصادی (۱۴۰۴/۱۲/۶) نیز تا حدود بسیاری رخ داده است. چنان‌که نه‌فقط هیچ‌یک از مشکلات اقتصادی کشور و تضادهای فکری و نظری رفع نشده، بلکه تشدید نیز شده است. واقع آن است که در فقدان احزاب سیاسی قدرتمند که متناسب با پایگاه اجتماعی‌شان برنامه مشخص اقتصادی داشته باشند و در ضعف و به حاشیه رفتن نهادهای مدنی و تشکل‌های صنفی و صنعتی و حتی اتاق‌های بازرگانی در قامت مشاور سه قوه، به‌عنوان پل‌های ارتباطی میان حاکمیت و مردم و ایفاکننده نقش میانجیگرانه در تصمیم‌سازی‌ها و توافق‌ها، از کارشناسان و نخبگان به‌صورت منفرد و مجرد آن هم در فضای محدودیت و انحصار داده‌ها و اطلاعات کار چندان‌ی برنمی‌آید و توصیه‌های هرچند ارزشمند آنان در همه‌مها کم می‌شود. چنان‌که مثلا آنجا هم که این کارشناسان خبرخواه با هزار زحمت متشکل شده و با قبول هزینه‌های بالای این

آخرین پیروزی سیاستمدار ۸۰ساله برزیلی:

لولا، سیاستمداری که ورق را برگرداند



برگزیده‌ها

گزارش شرق از مشتریانی با سرمایه کم که گرفتار پروژه‌های پردردسر پیش‌فروش و ساخت مشارکتی مسکن شده‌اند

وعده‌های واهی خانه‌دارشدن

شکست متحد پوتین در انتخابات صربستان:

پایان سلطه ۱۴ ساله و وچیک

سندرم دیده‌شدن و هزینه‌های پنهان اظهارنظرهای امنیتی

امنیت ملی قربانی مسابقه اظهارنظر

یادداشت

فراتر از درمان زیستی

چرا به «دانش اجتماعی اعتیاد» و بازنگری در ساختار نهادها نیازمندیم؟



علی‌ریعی

پناه‌بردن افراد به مواد اعتیادآور به‌طور سنتی، معمولا در چارچوب روان‌شناسی فردی یا علل اجتماعی معمول همچون فقر، بیکاری و... بررسی می‌شود. در تحلیل پدیده‌های پیچیده‌ای همچون آسیب‌های اجتماعی، یکی از خطاهای راهبردی سنتی، تقلیل‌دادن مسئله به ابعاد صرفا زیستی، روانی یا بالینی است. اگرچه در حوزه زیست‌شناسی، دارودرمانی و بالینی اعتیاد کارهای ارزشمندی انجام شده است، اما پدیده اعتیاد پیش از آنکه صرفا یک اختلال فردی یا زیستی باشد، بازتابی از «مسائل اجتماعی» است. من با مطالعه شواهد علمی شیوع‌شناسی متاخر و یافته‌های میدانی بر اساس تجارب کاری خود معتقدم تعیین‌کننده‌های اجتماعی اعتیاد، دچار تغییر شده و با علل اجتماعی پیشین قابل تبیین نیست. نمی‌توان بدون شناخت بسترها و زمینه‌های ساختاری شکل‌گیری این رفتارها و تنها با تکیه بر برخورد‌های سلبی و مقابله‌ای، انتظار داشت مسئله به‌طور پایدار حل شود. ما باید بپرسیم ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی چه بسترها و زمینه‌هایی را فراهم می‌کنند که برخی افراد به مصرف مواد یا الکل گرایش می‌یابند؟ می‌بایست در کنار دانش زیستی، به توسعه «دانش اجتماعی اعتیاد» نیز توجه جدی شود و پژوهش‌های جامعه‌شناختی سهم بیشتری در نقشه راه سیاست‌گذاری این حوزه به دست آورند.

ساختار کلان، فشار ساختاری و فرسایش سرمایه اجتماعی هیچ کنش انسانی در خلأ رخ نمی‌دهد. فشارهای ساختاری ناشی از تحریم‌ها و بحران‌های اقتصادی، هزینه‌های اجتماعی و زیست روزمره شهروندان را به‌شدت افزایش داده‌اند؛ امری که به‌طور مستقیم بر سلامت روان و کیفیت زندگی نسل‌های مختلف سایه می‌اندازد. ازاین‌رو، در سیاست‌گذاری‌های مرتبط با اعتیاد لازم است شرایط عینی جامعه و رنج‌های ساختاری ناشی از آن به دقت واکاوی شود. بخشی از مصرف مواد مخدر یا مشروبات الکلی، جایگزین کارکرد نهادهای فرهنگی و اجتماعی است. در جامعه‌ای که تولید امید به آینده کاهش یافته یا اصولا تلاشی برای پدیدآوردن نشاط اجتماعی نمی‌شود، در حقیقت نهاد فرهنگ شامل سرگرمی، تفریح و هنر دچار فقدان کارکرد آرام‌بخش می‌شوند، سبب می‌شود اعتیاد دیگر به جنسیت یا طبقه اجتماعی وابسته نباشد و سن ادامه‌دار در اعتیاد نیز تغییر کرده و حتی اعتیاد شاغلان از بیکاران پیشی می‌گیرد.